



یوحنا ۵ ، ۲۴ - ۲۹

«یقین بدانید، هر که سخنان مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و هرگز محکوم نخواهد شد، بلکه از مرگ گذشته و به حیات رسیده است» 25. یقین بدانید که زمانی خواهد آمد، و در واقع آن زمان شروع شده است، که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و هر که بشنود زنده خواهد شد» 26. زیرا همان طور که پدر منشأ حیات است، به پسر هم این قدرت را بخشیده است تا منشأ حیات باشد» 27. و به او اختیار داده است که داوری نماید، زیرا پسر انسان است» 28. از این تعجب نکنید، زیرا زمانی خواهد آمد که همه مردگان صدای او را خواهند شنید» 29 و از قبرهای خود بیرون خواهند آمد: نیکوکاران برای حیات خواهند برخاست و گناهکاران برای محکومیت.

چطور انسان ها می توانند در مورد زندگی ابدی صحبت بکنند؟ می دانم ، هیچ مغازه ای در کل دنیا وجود ندارد که بتوانید زندگی جاودانه را در یک بسته خریداری کنید. همچنین کسی نیست که بتواند با شواهد معتبر حتی به ما ثابت کند که چیزی مثل زندگی ابدی وجود دارد. به جای زندگی ابدی، مرگ برای ما صادق است. به جای زندگی ابدی، شواهد زیادی از مرگ وجود دارند. هر یک از ما با مرگ تجربه هایی دارد. هر یک از ما یک روز طعم مرگ را می چشیم. ما نیازی به اثبات آن مرگ نداریم. این مرگ مطمئناً هست و ما آن را از طریق تجربه نسل های بی شماری می شناسیم: تجربیات مرگها در سال گذشته در خاطره ما تازه است. ما یک نفر عزیز را در آنجا دفن کرده ایم. "زمین به زمین ... خاکستر به خاکستر" ما این کلام ها را در آنجا شنیدیم. به طرز باورنکردنی، ما در مقابل قبر ایستاده بودیم. چطور ممکن است فردی که با او بسیار نزدیک بودیم ناگهان از بین برود؟ پیش قبر ما ناگهان متوجه می شویم که مرگ در واقع نامناسب ، غیر منطقی است و هم مرگ دشمن هر چیزی است که برای انسان مهم است. به ویژه مردم که در ایران کشته اند در خاطر ماست. چرا این انسان های جوانی باید بدون دلیل کشته اند؟ مرگ نمی تواند کل زندگی را منقرض کند! تمام زندگی با همه ی چیزهایی که ما به دنبال آن هستیم؛ با همه ی چیزهای که به آنها علاقه مند بودیم؛ زندگی ما با تمام افرادی که دوستشان داریم نمی توانیم با کمی خاکستر و خاک به پایان برسد! از آنجا که مرگ بسیار بد است ، ما دائماً در تلاش هستیم تا بر آن مرگ غلبه کنیم. گاهی اوقات ما آن را با دارو به تاخیر می اندازیم ، گاهی اوقات فقط آن را کنار می گذاریم و وانمود می کنیم مرگ نگران ما نیست. با وجود این همه اقدامات، تنها ثابت می کنیم که ما انسانها نمی توانیم هیچ کاری علیه مرگ انجام دهیم. پس در مورد آن مرگ چه باید بگوییم؟ آیا باید تسلیم شویم؟ ظاهر است که بسیاری از افراد همین کار را کردند! آنها به زندگی ابدی اعتقاد ندارند. در عوض ، آنها به مرگ اعتقاد دارند. اعتقاد آن انسان ها این است: همه چیز باید با مرگ تمام شود و هیچ چیزی از آن به بعد حاصل نخواهد شد. مطابق شعار "زندگی شیطانی که می شناسم ترجیح می دهیم به زندگی ابدی که ناشناخته است." امروز "یک شنبه مردگان" در آلمان خوانده می شود. برعکس بسیاری از افراد دیگر این روز "یک شنبه ابدی" خوانده می کند. این دو کلمه دقیقاً موضوع امروز را توضیح می دهند: از یک طرف ، مرگ که در همه جا اتفاق افتاد. از طرف دیگر ، امید به زندگی ابدی است. اما آنچه ما فاقد آن هستیم ، پلی است که می تواند این دو کلمه را پیوند بکند. آنچه ما فاقد آن هستیم ، روشی یا توصیفی است که چگونه می توانیم از تجربه ی مرگ به زندگی ابدی برسیم. من می دانم دانشمندانی وجود دارند که فکر می کنند چنین توضیحی دارند. و آنها ادعا می کنند که می توانند مرگ را از بین ببرند. اما این تحقق سوال انگیز است. به عنوان مثال ، وقتی مردم مرگ را به تاخیر بیندازند ، یا اصلاً مرگ را از بین ببرند ، چه اتفاقی برای منابع معدنی ما می افتد؟ ما با این مثلها متوجه شده ایم که مسیر زندگی ابدی بسته است ... حتی باید قفل شود! دلیل آن ساده است. ما انسانها، کسانی نیستیم که زندگی را آفریده ایم. بنابراین ، ما به هیچ وجه اقتدار و قدرت آن را نداریم که در مورد زندگی ابدی بگوییم یا کاری انجام دهیم. ما انسانها ی زمین هستیم و باید به زمین برگردیم! و خاک شویم و بنابراین ما زیر خودمان می مانیم و دفن می شویم. ما کسی را به گور می بریم و روزی خود آمد که حتی خودمان دفن خواهیم شد: "خاک به خاک ... خاکستر به خاکستر!" ... اینگونه می شود اگر عیسی به ما نمی آمد، اما عیسی آمد. و امروز بیابید و بگویید ، "یقین بدانید سخنان مرا شنوید! . در این متن ، عیسی این کلمه را دو بار تکرار می کرد: "یقین بدانید سخنان مرا شنوید!" هر وقت عیسی از این کلمات استفاده می کند ، به این معنی است که چیز بسیار مهمی

اکنون وجود دارد. مهم این است که عیسی زندگی ابدی را اعلام کرد. در واقع عیسی کلمه ای را به ما می دهد که ما را از این جهان به جهان دیگر سوق می دهد. زندگی ابدی در مورد آن عیسی صحبت می کند، بسیار با کلام خدا پیوند خورده است. همه کسانی که سخنان عیسی را می شنوند ، با عیسی در ارتباط هستند. و هر کس به عیسی متصل باشد نیز با خدا متصل است.

«زیرا همان‌طور که پدر منشاء حیات است، به پسر هم این قدرت را بخشیده است تا منشاء حیات باشد»

آنچه عیسی در اینجا به ما می گوید ، یک مداد قرمز ضخیم است که مرگ نابود می کند. کلام عیسی به آسانی بسیاری از قبرستان ها را پاک می کند و قبر بد بو را به مکان زندگی جدید تبدیل می کند! کسی که کلمه عیسی را می شنود زندگی دارد. و هر کس به قول عیسی ایمان آورد ، حیات ابدی دارد. از طریق عیسی مسیح با زندگی در ارتباط هستیم! همچنین وقتی می میریم. و هر وقت خود را تحت فرمان عیسی و کلامش قرار می دهیم ، تحت کلام خدای متعال هستیم که از روز اول خلقت زندگی را از طریق کلام نامگذاری. آنچه عیسی در اینجا به ما می دهد در حقیقت یک مکان ثابت و شرح چگونگی این است که می توانیم به زندگی ابدی برسیم. در دنیای فانی ما چنین مکانی وجود ندارد. حتی با تمام پول دنیا این جا هیچ وجه وجود ندارد. اما این چیز، متحیر کننده است: زندگی جاودانه هنوز بسیار آسان تر از چیزی است که می توانست در یک فروشگاه خریداری شود.

لازم نیست به جایی برویم. ما حتی نیازی به پرداخت پول برای آن نداریم. زندگی ابدی به رایگان دستانمان می آید. فقط از طریق عیسی و از طریق کلامش. "تعجب نکنید." عیسی در مورد چنین مواردی به ما می گوید. آنچه عیسی در مورد آن صحبت می کند ، فقط از دیدگاه او کاملاً عادی است و تعجب آور نیست. برای عیسی ، که با پدر در ارتباط است ، مرگ غیر ممکن نیست. او زنده بود و خواهد ماند. مرگ به همان اندازه سرعتی و استوار و محکم برای ما و برای زندگی ما است. این مرگ هیچ وقت به خدا تعلق ندارد. ما انسان ها هستیم و مرگ قبل از ما است. این مرگ یک علامت سؤال بزرگ برای زندگی ما تعیین می کند. اما وقتی در عیسی هستیم ، ما هم با یک پا در بهشت ایستاده ایم. و هم امروز طعم زندگی ابدی را می دهیم! اگر خود را مرتباً تحت کلام خدا قرار دهیم و توانمند شویم ، مرگ نیز قدرت خود را در زندگی ما از دست می دهد. اکنون زندگی ابدی شروع می شود. قبلاً در اینجا در این زندگی! حتی اکنون ، هنگامی که ما غسل تعمید می گیریم، ما با خدا و زندگی جاودانه ارتباط مستقیمی داریم. حتی اکنون ، هنگامی که شام خداوند را جشن می گیریم ، در همان زمان با خدا در بهشت وصل می شویم. زندگی ابدی چیزی نیست، که ما انسانها بتوانیم از آن بخریم. زندگی همیشه در مسیر خدا خواهد بود. و با این حال ما از این زندگی مستثنی نیستیم ، اما شامل آن هستیم. و هرچه بیشتر با آن مقابله کنیم ، نزدیکتر به حیات جاودانه می شویم. و زندگی عادی در مسیح و هم در خدا طبیعی تر است. آمین.